



نفیسی کرده بود، در حالی که اغلب فضلالی والامقام آن کار بزرگ را دست‌کم می‌گیرند، چون می‌گویند از غلط خالی نیست. بلی چنین تواند بود، ولی باید دانست که چقدر اطلاعات دور مانده از چشمها و دستها را آن مرحوم درین دو جلد محفوظ داشته است که به آسانی به دست آمدنی نیست و این موارد درست را نمی‌توان از دست گذاشت.

اتفاقاً باز در همین روزها بود که میلاد عظیمی می‌فرمود که در همین کتاب مورد سخن، ذکری از شمس حاجی شاعر همعصر حافظ دیده بوده و عجب کرده است. همین عباراتی را که آقای ملاطی درباره صوفی از کتاب نفیسی نقل کرده‌اند دال است بر اینکه نفیسی نسخه ترجمه فارسی صوفی سمرقندی را دیده بوده است و اینک آقای ملاطی از راه لطف مرا بر آن آگاه می‌سازد. حق بود من خود برای تهیه مقدمه‌ام به آن کتاب مراجعه کرده بودم و نکته‌هایی که ایشان در احوال صوفی سمرقندی از ترجمه ربیع‌الابرار او یافته‌اند، همه برای من سودمند بود. امیدوارم ایشان توفیق طبع آن کتاب را بیابند.

ایرج افشار

حضور سردبیر محترم گزارش میراث

جنابعالی مستحضرید که امروزه در کشور عزیزمان ایران کسانی که جوای نام هستند مایل‌اند بدون هیچگونه زحمتی به هدف خود نایل شوند. از این رو گاهی به سرقت علمی و یا ادبی روی می‌آورند و کارهای دیگران را عیناً و یا با اندکی دخل و تصرف به نام خود چاپ می‌کنند. یکی از این سرقتها مقاله‌ای است تحت عنوان

گزارش میراث میدانی شده است دلاویز که دوستان خوش‌برخورد در آن به گفت‌وگو می‌نشینند. در شماره ۲۷ و ۲۸ گفته‌هایی دیدم که مرا بر آن داشت تا چند نکته‌ای را بنویسم.

۱. در سرمقاله آقای دکتر ایرانی در مورد توضیح عالمانه دوست بسیار دانم دکتر احمد مهدوی دامغانی دیدم که نام درست کتاب ابومنصوری هروی باید الانبیه باشد به جای الانبیه. در آن محفلی که صحبت از چاپ نسخه‌برگردانی آن کتاب می‌بود بنده عرض کردم که نظر جناب مهدوی دامغانی را باید در یادداشتی آورد و با خوشوقتی چاپ کرد، ولی چون نسخه الانبیه در طول قریب به هزار سال به همین عنوان بر جای بوده است و فضایی مانند قزوینی و بهمنیار و دیگران آن را با همین نام معرفی کرده‌اند شاید نتوان دست به ترکیب نام آن زد. این را هم یکی از غلطهای مشهور باید در شمار گرفت و طبعاً صدمه‌ای که به اصل متن نمی‌زند. ورنه معاذالله که بنده استدلال علمی موجه دوست خود را «ادعا» دانسته باشم.

۲. از تذکر بجای آقای علی نویدی ملاطی در مورد سابقه ذکر نام صوفی سمرقندی مؤلف مفتاح‌النعیم در کتاب کارآمد و ره‌گشای تاریخ نظم و نثر فارسی استاد فقید سعید نفیسی شاد شدم از باب اینکه آن اطلاع را ندیده بودم و ضمناً گویای آن است که در کتاب نفیسی چه مقدار مطلب مفید نهفته است که کسی نمی‌داند تا اینکه برای موضوعی پی آن بگردد و از آن مرجع بهره‌ور شود. در همین روزها بود که مجموعه رساله‌های عرفانی و فلسفی چاپ‌شده حضرت علی محدث (سوند ۱۳۸۴) را می‌دیدم که تحسینی به حق در مورد این کتاب سعید

«سینوس و وتر یک درجه» که در شماره ۸۴ و ۸۵ مرداد و شهریور ۱۳۸۷ در مجله دانش و مردم چاپ گردیده است. این مقاله در حقیقت اقتباس ناشیانه‌ای است از بخشی از مقاله جناب آقای دکتر جعفر آقایانی چاوشی که در سال ۱۳۸۲ در شماره ۲۰ فصلنامه آینه میراث، ویژه‌نامه تاریخ علم چاپ گردیده است.

خانم ن - ذ که این کار را انجام داده برای پوشاندن عمل خود مقدمه آقای چاوشی را اندکی تغییر داده و در انتهای مقاله نیز حالت کلی «قضیه بطلمیوس» را که هیچگونه ربطی به موضوع مقاله ندارد آورده است و نیز اشاره کرده که تنها از چکیده مقاله آقای چاوشی که در سایت اینترنتی موجود است بهره گرفته است، در صورتی که قضایا و گزاره‌های یاد شده در مقاله مزبور که عیناً برگرفته از مقاله چاپ شده آقای چاوشی هستند در چکیده مورد بحث موجود نمی‌باشند.

برای اینکه نمونه‌هایی از این انتحال را به دست دهیم، کافی است بعضی از قضایا و گزاره‌های مندرج در هر یک از مقاله‌ها را روبه‌روی هم قرار دهیم. در واقع با نگاهی به چکیده‌ای که در اینترنت آمده و نویسنده مدعی برگرفتن مطالب مقاله خود از آن است، به سهولت می‌توانیم تشخیص دهیم که موارد مورد مقایسه که در سایت اینترنتی مذکور نیامده، لزوماً باید از مأخذ دیگری بدون ذکر منبع آمده باشد.

اینک یک نمونه را در زیر می‌آوریم:

در مقاله آقای چاوشی می‌خوانیم:

۲-۱. تعیین قضیه کلیدی مسئله

قضیه: نسبت هر کمان بزرگ‌تر به هر کمان کوچکتر در یک دایره، بزرگ‌تر از نسبت وتر کمان بزرگ‌تر به وتر کمان کوچک‌تر می‌باشد. یعنی هرگاه داشته باشیم،

کمان $a > b$ کمان، خواهیم داشت

$$\frac{\alpha}{\beta} > \frac{\text{cord}(\alpha)}{\text{cord}(\beta)}$$

در مقاله چاپ‌شده در دانش و مردم می‌خوانیم:
قضیه: نسبت هر کمان بزرگ‌تر به هر کمان کوچک‌تر در یک دایره، بزرگ‌تر از نسبت وتر کمان بزرگ‌تر به وتر کمان کوچک‌تر است، یعنی هرگاه داشته باشیم کمان $a > b$ کمان، می‌توان گفت:

$$\frac{\alpha}{\beta} > \frac{\text{cord}(\alpha)}{\text{cord}(\beta)}$$

می‌بینیم که خانم ن - ذ نه تنها عین قضیه را اقتباس کرده، بلکه عین کلمات آقای چاوشی را نیز آورده است تنها در آخر جمله شرطی برای رد گم‌کردن، به جای «خواهیم داشت» از «می‌توان گفت» استفاده کرده که از نظر منطقی مرتکب خطا گردیده است؛ زیرا در یک جمله شرطی مقدمه و تالی به صورت زیر قرار می‌گیرند:

مقدمه: هرگاه داشته باشیم.

تالی: آنگاه خواهیم داشت.

و تالی را نمی‌شود به صورت، «می‌توان گفت» آورد! گذشته از آن، در اثباتی که بلافاصله بعد از این قضیه کلیدی می‌آید، باز هم کلمات و فرمولها دقیقاً در هر دو مقاله یکسان هستند و ما برای پرهیز از اطاله کلام از تکرار آنها خودداری می‌کنیم.

این‌گونه این‌همانی کلمات و فرمولهای ریاضی را در مطالبی که پس از این اثبات آمده تا آخر می‌توان در هر دو مقاله مشاهده کرد بنابراین باید از خانم ن - ذ پرسید که اگر شما اینهمه مطلب را از مقاله آقای چاوشی کپی نکرده‌اید، پس از کجا آورده‌اید؟!

با احترام

ناهید جعفری کارشناس ارشد اختر فیزیک

